



مقطع تحصیلی: کاردانی □ کارشناسی ■ رشته: ...نقاشی...ترم: ...۲...سال تحصیلی: ۱۳۹۸-۱۳۹۹
نام درس: ...اصول و ارائه آثار هنرینام و نام خانوادگی مدرس: ...شیما گلچین.....
آدرس email مدرس:تلفن همراه مدرس: ۰۹۱۳۳۳۶۱۶۹۴....

جزوه درس: اصول و ارائه آثار هنری مربوط به هفته : پانزدهم ■
text: دارد ■ ندارد □ voice: دارد □ ندارد ■ power point: دارد ■ ندارد □
تلفن همراه مدیر گروه : ۰۹۳۸۳۷۸۰۰۵۲

بسمه تعالی

اصول ارائه آثار هنری

سل لوویت:

سل لوویت هنرمند آمریکایی مینیمالیست، در سال ۱۹۶۷، مقاله پاراگراف هایی در هنر مفهومی (کانسپچوال آرت) را نوشت که رویکردی نو به هنر داشت. وی همچون جاد، کنسروکسیون هایی متشکل از واحدها یا مضرب واحد های تکرار شونده، ساخت. ساختارهای سه بعدی او غالباً، بر مبنای محاسبات ریاضی در عناصر بصری (نقطه، خط، سطح) به وجود آمده اند. «کنسروکسیون» اصطلاحی است برای نقش برجسته یا مجسمه متشکل از قطعات مختلف با ترکیب بندی اغلب انتزاعی»

گرایش های هنری سل لوویت در قالب هنر مفهومی در دو مرحله شکل گرفت. نخست، لوویت به ساختن حجم های سه بعدی با تقسیم های واحدی پرداخت و در مرحله بعد طرح های دیواری خود را آغاز کرد. این دو گرایش در سال های بعد نیز هسته مرکزی فعالیت هنری او را تشکیل دادند. نکته قابل توجه در کارهای لوویت اصالت ایده است و اجرای کارها اهمیت کمتری داشتند. او در هیچ یک از کارهایش اعتقادی به تولید محصول دست ساز نداشت و در اجرای قوانین شناخته شده یا مولفه های سنتی هنری وابسته نبود. هم حجم ها و هم طراحی ها توسط دستیاران لوویت و بر اساس دستورالعمل های او اجرا می شدند.

به عقیده او اگر هنرمندی شیوه مفهومی را در اثری به کار برد به این معنی است که کلیه برنامه ریزی و تصمیم گیری از قبل صورت گرفته و اجرا موردی است که می توان سرسری از آن گذشت.
تکرار یکی از عناصر بنیانی در آثار لوویت است. توجه به تدابیر تکرار شونده که با وسواس شدید و فراتر از آن، تعمقی آرام و عجیب بر زمان همراهند، از گرایش های شاخص طیف کلی هنر مفهومی است.



سازه مکعبی ۱۹۷۶، و دسته ای از خطوط در چهار جهت، ۱۹۷۷ دو اثر مجزا و مستقل از سل لوویت است که در موزه هنرهای معاصر تهران نگه داری می شوند. نخستین اثر که سازه مکعبی نام دارد، از چوب رنگ شده با ابعاد ۱۱۰*۱۱۰*۱۱۰، سانتی متر و دومین اثر مورد مطالعه دسته ای از خطوط در چهار جهت (شکل هرم)، سل لوویت ۱۹۷۶، چوب رنگ شده، با ابعاد ۱۱۰*۱۱۰*۱۱۰ سانتی متر است.

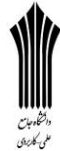
این آثار در نمایشگاه های مختلفی به نمایش در آمده که تا کنون سه چیدمان از آن عرضه شده است. نوع نگاه هر کدام از موزه داران و کارشناسان هنری در چیدمان این آثار متفاوت بوده به گونه ای که یکی از آن چیدمان ها آویزان کردن آثار از سقف گالری ها است.

با توجه به جنس و ظرافتی که در ساخت اثر وجود دارد این امکان برای ارائه آن در دراز مدت سبب آسیب دیدگی اساسی شده و خطر سقوط اثر موجب از بین رفتن ساختار فیزیکی آن می شود. علاوه بر این به نظر می آید مفهوم اثر در ایستایی و نصب روی زمین منطقی تر باشد.

یکی دیگر از چیدمان هایی که این آثار ارائه جداگانه آن ها در فضاهای متفاوت بود. در صورتی که ممکن است هنرمند فضایی خاص را برای یدمان اثر در نظر نگرفته تا موزه دچار محدودیت نشود چیدمان جدید این دو اثر، جداگانه و مستقل صورت گرفته بود که بنظر منطقی رسید.

کریستو:

کریستو کلود و همسرش ژن کلود از جمله هنرمندانی هستند که از اوایل دهه شصت در زمینه هنر مفهومی فعالیت می کنند؛ این دو بعد از برگزاری نمایشگاه های متعدد در سراسر جهان، موفق به زبانی نو در بیان هنری شده اند. طبیعت در مقام نخست و محیط های شهری در جایگاه بعدی الهام بخش کریستو و ژن است. ظرفیت های موجود در محیط، چه از نظر تحریکات بصری و خلق چشم اندازه های بدیع و چه از نظر اعمال هویتی تازه و مکان مندی محیط حائز اهمیت هستند. تغییر مقیاس و خلق آثاری در ابعاد بزرگ تر از حد معمول با مخاطب خود ارتباط جدیدی را تعریف می کنند. تلاشی برای عمیق تر کردن رابطه انسان با محیطی که در آن زندگی می کند و تبدیل آن به یک اثر هنری.



این زوج هنرمند سعی می کنند در کارهای خود مرزها را زیر سوال ببرند؛ در ابتدا محیط را اجاره کرده بود، سعی می کنند ارتباط جدیدی با آن برقرار سازند. مفاهیمی که می توانند رویکردی متفاوت و غنی تر از قبل، به ویژه نسبت به مردمی که در آن جا زندگی می کنند، به مکان انتقال دهند، در تمامی پروژه ها مردم حضوری پر رنگ داشته و رویکرد اجتماعی را به نمایش می گذارند. در آثار آن ها ارتباط انسان با محیط اطراف رفته رفته تنگ تر می شود. تا آن جا که مخاطب به تعاملی شخصی با محیط یا اثر هنری دست می یابد. این پروژه ها بدون تردید حائز دیدگاه هایی زیست محیطی، اجتماعی و هنری بسیار با اهمیتی هستند.

آثار کریستو فضا سازی هایی هستند که ممکن است در هر جایی انجام پذیرد. از بسته بندی پل ها و ساختمان های شاخص و غول آسا تا محصور کردن جزایر...

کریستو با این آثار شیوه نگارش ما را از طریق مقابله با مفاهیم جا افتاده هنری در ذهن، دگرگون می کند. او چشم اندازه های تکراری را به عرصه ای برای ارزیابی و ادراکی جدید مبدل می سازد.

رابرت اسمیتسون:

اسمیتسون از زمین و دریاچه به مثابه بوم استفاد کرده است. در این گونه آثار مخاطب یا هنرمند، همانند هنر مفهومی (کانسپچوال)، به جای ماهیت بیرونی با شیء، در درون اثر و فضای آن قرار می گیرد.

آثار اسمیتسون زیر عنوان هنر خاکی شناخته می شوند و معمولاً با محیط پیرامون ارتباط دارند. « هنر زمین/لندآرت: هنر خاکی هنری است که در آن، به جای استفاده از زمین به عنوان جایگاه اجرای یک اثر هنری، خود زمین به یک اثر هنری تبدیل می گردد. هنر خاکی یا هنر زمینی در اواخر دهه ۱۹۶۰، به عنوان واکنشی در برابر فناوری پیچیده فرهنگ صنعتی و نیز در هم آمیختن هر چه بیش تر هنر و طبیعت پا گرفت و مفهوم آن در نمایشگاه، گالری در ۱۹۶۸، در نیویورک، نمایشگاه دانشگاه کرنل در ۱۹۶۹، تثبیت شد. هنر خاکی که از زمره هنرهای مفهومی به شمار می آید، نمایشگاههای متعارف هنری نیست و عرضه آن بیشتر به صورت عکس و فیلم صورت می گیرد.»

او پس از تجربه آموزی در دهه ۱۹۶۰، که طی آن ها از آئینه برای بررسی تاثیرات تصویر سازی پی در پی استفاده کرد به جنبه های گوناگون ضد شکل و مفهوم گرایی دست یافت.



فضا و مکان در آثار اسمیتسون اهمیت ویژه ای دارند. او در اندیشه جایگاه ها افتاد که عبارتند از موقعیت های عکسبرداری شده با آثار خاکی بود.

اثری از اسمیتسیون به نام سنگ نمک و آیینه تاریخ ۱۹۶۸-۷۶، را بر خود دارد. چیدمان این اثر به این شکل است که ۸ قطعه آیینه را بطور عمودی و به موازات هم روی زمین قرار داده و مقداری نمک دریایی رو به روی آن گسترده می شود.

رابرت اسمیتسون نظیر این چیدمان ها در جاهای مختلف هم اجرا کرده اما پرسش چالش برانگیز در نوع ارائه و نمایش اثر و همچنین رابطه اثر با محیط پیرامونی است. همان گونه که دیده می شود آیینها انعکاسی از محیط های پیرامون، معماری و غیره موزه هنرهای معاصر را به نمایش می گذارد. این پرسش مطرح می شود که هنرمند اثر را ویژه این محیط و معماری طراحی و اجرا کرده است؟ موزه داران و مسئولان نمایشگاه اثر را درست و مطابق با خواسته هنرمند چیده اند؟ پس این امکان وجود دارد که این اثر برای چیدمان در محیط و مکانی غیر از آن چه در تصویری که ما از اجرای آن در موزه دیده ایم و در کاتالوگ معرفی آثار موزه هنرهای معاصر تهران آمده یا شاید دست کم این چیدمان یکی از آن همه امکانی باشد که از این اثر می توان اجرا کرد.

فرانک استلا:

فرانک استلا، نقاش و هنرمند آمریکایی، با آثار خود تاثیر بسیاری بر تحول هنر مینیمال گذاشت. کارهای فرانک استلا نمادی هستند از شکاف مهمی که در اثر تلاقی مدرنیسم و انواع حرکت های ضد مدرنیست پیشرو (آوان گارد) به وجود آمد و عامل شکل دهنده هنر مفهومی بود.

که نوع چیدمان این اثر مورد بحث است. اکنون به نمایش در آمده با چیدمان های گذشته از این اثر تفاوت دارد... البته لازم به ذکر است متاسفانه تصویر مستندی از این اثر یافت نشد. این چالش ها از آنجا ناشی می شود که مسئولان، موزه داران و کارشناسان هنری در هنگام ورود اثر به موزه به ثبت و مستند نگاری از چیدمان اصیل اثر اقدام نکرده اند. همچنین هیچ شماره یا علائمی دال بر ترتیب و جهت نمایش اثر در پشت یا ضمیمه اثر وجود ندارد. این مسائل سبب شده تا تاویل های گوناگونی در نوع چیدمان صورت بگیرد....



خلاصه مطالب:

در بررسی به سیر تحول هنرهای دیداری، هنر جدید بخشی از تاریخ هنر معاصر است که برای انتقال پیام و ایده هنرمندان به شکل های گوناگون ارائه می شود. روش های ارائه متناسب با ایده، علاقه هنرمند، نوع مخاطب و غیره انتخاب می شود، بر این اساس هنر جدید به دسته های مختلفی طبقه بندی می شود. با تغییر ذائقه هنرمندان و مخاطبان در خلق آثار هنری از شکل به مفهوم و پس زدن هر آن چه که زیبایی شناسی و هنر را در شکل می دانست به مفاهیم تازه ای از هنر اشاره کردند که در آن شکل به رتبه و درجه پایین تری نزول می کرد.

موزه هنرهای معاصر تهران با هدف نگه داری، ارائه و نمایش آثار هنری معاصر، مجموعه، منحصر به فردی را طی سی سال فعالیت گردآوری کرده است. در میان آثار این مجموعه، شماری از کارهای هنر جدید نیز نگه داری می شوند که از گونه های مختلف هنر جدید هستند.

نتایج بررسی مشکلات چیدمان، مستند نگاری و معرفی شش اثر مورد بررسی به شرح زیر است:

باید در نظر داشت موزه داران در نوع چیدمان آثار مجاز به تغییر، کاهش یا افزایش در اثر هنری نیستند. زیرا ممکن است در ماهیت آن، و هدف هنرمند دگرگونی ایجاد کنند.

رابطه اثر با محیط و مکان ارائه اهمیت دارد، به گونه ای که برخی آثار با محیط پیرامونی مفهوم می یابند. گاهی فضا موزه قادر به تامین مکان های مورد نظر هنرمند نیست.

مستند نگاری و ثبت دقیق اطلاعات هر اثر موزه ای از وظایف موزه داران است. در این میان آثار هنر جدید از حساسیت بیش تری برخوردار هستند. پس به هنگام گردآوری و انتقال اثر هنر جدید به موزه ها باید مستنداتی از اثر که شامل مشخصات فیزیکی، خالق، کروکی و توصیف های اجرا و چگونگی نمایش آن نیز از هنرمند اخذ کرد.

اجرای مجدد آثار هنر جدید مستلزم نوعی تعامل میان هنرمند و موزه دار است و در مواردی که تاویل های مختلفی از نحوه چیدمان وجود دارد، دریافت مجوز یا دستورالعمل خالق اثر برای موزه ها و نمایشگاه ضروری است.

نگه داری از آثار جدید همچون دیگر آثار موزه ای از وظایف دشوار موزه داران است. باید در نظر داشت. نحوه

چیدمان و ارائه اثر به ساختار آن آسیب نرساند.

